

تاریخ فرخی (اثر ناشناخته از روزگار تیموریان)

یزدان فرخی

چکیده

تاریخ‌نگاری فارسی عهد حاکمیت تیموریان، از چشمگیرترین جنبه‌های تمدنی ایران دوره پس از مغول به شمار می‌آید. تاکنون بسیاری از آثار و متون تاریخ‌نگاری این دوره، شناسائی شده و به چاپ رسیده است. یاره‌ای هم که مجال انتشار نیافته، از بخت پژوهش‌های محققان تاریخ و ادبیات برخوردار شده است. اما چنان که از محتوای متون این دوره برمی‌آید، در مورد برخی آثار این دوره تنها اشاراتی در متون برجای مانده که دلیل اهمیت و اعتبار آن‌ها بوده است. با این همه، به دلیل در دست نبودن آن نسخه‌ها، آگاهی ناچیزی در موردشان به دست می‌آید. پژوهش در زمینه این دسته آثار، بسیار دشوار و شاید تنها از لایه‌لای متون هم‌زمان و گاهی متون متأخر میسر باشد. هدف این مقاله، شناسائی و بررسی یکی از متون ناشناخته این دوره به نام تاریخ فرخی است که به عنوان منبعی معتبر در مطلع سعدین و مجمع بحرین یکی از متون عهد تیموری، مورد استناد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

تاریخ‌نگاری / دوره تیموری / مطلع سعدین و مجمع بحرین / تاریخ فرخی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۸۹)، ۶-۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۲۶ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۴



تاریخ فرخی (اثر ناشناخته از روزگار تیموریان)

یزدان فرخی^۱

در عهد سلسله تیموری، تاریخ‌نگاری فارسی از جنبه‌های گوناگون به پیشرفت‌های چشمگیری دست‌یافت. گونه‌های متنوعی مانند تاریخ‌نگاری سلسله‌ای، جهانی، تاریخ محلی، تذکره‌های حیات، متون جغرافیائی و غیره، از این دوره به جا مانده است. گرچه این تنوع متون در بیش‌تر موارد متأثر از دوره پیشین و عهد حاکمیت ایلخانان است؛ اما بی‌تردید در این روزگار هریک در نوع خود به سطح بالائی از «شکوفائی» و «انسجام» دست یافته و نیز در پرتو حمایت‌های حاکمان تیمور، آثار بزرگی در زمینه‌های مختلف خلق گردید. (Szuppe, 2004, p 356)

از آثار مشهور این روزگار، مطلع سعدین و مجمع بحرین (حدود ۸۷۵-۸۸۷ ق.)، اثر کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷ ق.) است. از این اثر، نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های مختلف ایران برجای مانده - به ادامه بنگرید - و همین مسئله، نشان‌دهنده اعتبار و شهرت این اثر از هنگام تألیف تا سده‌های اخیر است. حدود زمانی این اثر - چنان که از صورت سالنامه‌ای آن دیده می‌شود - از سال ۷۰۴ تا ۸۷۵ یعنی از هنگام تولد ابوسعید ایلخانی تا روزگار پایانی ابوسعید تیموری (فرمانروایی ۸۵۵ تا ۸۷۳) را دربرمی‌گیرد.

از نسخه‌های چاپی این اثر، می‌توان از چاپ محمدشفیع در لاهور در دو مجلد یاد کرد (سمرقندی، ۱۹۴۶؛ سمرقندی، ۱۹۴۹). این اثر، به صورت چاپ سنگی منتشر شده و تنها حوادث سال‌های ۸۱۷ ق. به بعد را دربرمی‌گیرد. گویا حوادث پیش از آن، اهمیت تاریخی چندانی برای مصصح و پژوهشگران نداشته است. چنان‌که در مقاله ولادمیر بارتولد

۱. مربی آموزشیار گروه تاریخ
دانشگاه پیام نور.
yazdanfarrokhi@gmail.com



و محمدشفیع در مدخل «عبدالرزاق سمرقندی» نیز، چنین مسئله‌ای نشان داده شده است. (Barthold, Shafi, 1986, p 91) با این همه، متن کاملی از این اثر در فاصله طولانی از ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۳ ش.، به اهتمام عبدالحسین نوائی منتشر شد. (مقدمه جلد دوم، در سال ۱۳۷۵ ش. منتشر شده است.) کیفیت چاپ اخیر در قیاس با مجموعه محمدشفیع، برتری‌های بسیاری دارد، اما گویا بر پایه همان نسخه محمدشفیع به انجام رسیده (بجز مجلد اول) و البته برخی توضیحات جزئی نیز بر پایه‌ای از حوادث آن افزوده شده است.

اغلب پژوهشگران، اهمیت این اثر را بیش‌تر برای شرح رویدادهای سال‌های ۸۳۰ تا ۸۷۵ ق. در نظر می‌گیرند و گفته می‌شود که مطالب پیش از این حدود زمانی را، مؤلف از *زبدةالتواریخ* حافظ ابرو گرفته است. (فرهانی، ۱۳۸۱، ص ۲۷)؛ گرچه مسئله اقتباس رویدادهای پیش از تاریخ یاد شده از اثر حافظ ابرو در مقایسه بخش‌های مختلف تأیید می‌شود و حتا مؤلف نیز به آن اشاره کرده است. (برای نمونه: سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱ دفتر ۲، ص ۶۷۶)؛ اما باید گفت که وی درباب این رویدادها، از منابع به جا مانده دیگری هم برای رخداندنگاری این سال‌ها بهره برده؛ چنان‌که صراحتاً به روایات نظام‌الدین شامی استناد کرده است. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱ دفتر ۲، ص ۸۵۱) و یا از کتاب *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی آگاهی داده است. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲ دفتر ۱، صص ۳۶۵ و ۴۴۹)

اهمیت دیگر این اثر، در این جاست که به منابعی اشاره دارد که گویا از میان رفته و حتا نام آن‌ها نیز در میان پژوهشگران و از جمله در فهرست اعلام کتاب‌های چاپ انتقادی این اثر، ناشناخته مانده است. از نمونه‌های مهمی که در این زمینه می‌توان یاد کرد، **تاریخ فرخی** است که سمرقندی، برای مستندسازی یکی از مطالب اثر خود، به آن اشاره کرده است.

تنها موردی که در مطلع سعیدین به **تاریخ فرخی** اشاره شده، هنگامی است که مؤلف به شرح یکی از رویدادهای سال ۷۸۹ ق. و جریان یورش تیمور به اصفهان پرداخته است. تیمور به دنبال سرکشی زین‌العابدین حاکم جدید مظفری، به اصفهان لشکر کشید. هنگامی که تیمور به اصفهان رسید، با فرار زین‌العابدین و کوتاه آمدن حاکمان شهر روبه‌رو شد و از این رو به صورت صلح‌آمیز، شهر به تصرف وی درآمد. اما این صلح چندان پایدار نماند و بسیاری از نیروهای تیمور در جریان درگیری با مردم اصفهان کشته شدند. تیمور درصدد تصرف اصفهان برآمد و در این میان شمار بسیاری از مردم اصفهان کشته شدند. در همین رویداد، تیمور دستور داد مناره‌هایی از کله کشتگان بر پا سازند که در تاریخ آن روزگار رویداد بسیار مشهوری است. در واقع، سمرقندی تنها برای مستند ساختن تاریخ و زمان این رویداد و در پایان روایت خود به این منبع استناد کرده است: «... و این حال، در آخر شوال به وقوع پیوست و در **تاریخ فرخی** گوید: خامس ذی‌القعدة بود و حاجی جاونی قربانی و یوسف شاه

را به محافظت شهر گذاشت ...» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، دفتر ۲، ص ۵۹۶) در چاپ اخیر مطلع سعدین، چه در مقدمه و چه در اعلام یا «فهرست کتب» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، دفتر ۲، ص ۱۱۵۳)، به این کتاب اشاره‌ای نشده و چنین می‌نماید که این اثر، به عنوان یکی از منابع مطلع سعدین در نظر گرفته نشده است. چون در نسخه چاپ سنگی محمدشفیع در لاهور نیز تنها بخش مربوط به سال‌های ۸۱۷ق. به بعد منتشر شده، نمی‌توان در مورد آگاهی مصحح آن از این منبع و توضیحات وی داوری کرد. (سمرقندی، ۱۹۴۶؛ سمرقندی، ۱۹۴۹)

از آن‌جا که در مورد این اثر اشاره‌ای در متون کتابشناسی سده‌های گذشته (حاجی خلیفه، ۱۴۱۴؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲) و پژوهش‌های تاریخی دیده نمی‌شود و حتا در چاپ اخیر نوائی نیز در این باره بحث نشده است، می‌باید نخست در زمینه موضوعیت و قابل طرح بودن مسئله، با چند پرسش پایه‌ای پیش‌رفت: نخست این که آیا این اشاره را می‌توان صرفاً اشتباه چاپی، تصحیف و خطای کتاب نسخه یا نسخه‌های مورد استفاده به شمار آورد و بی‌اعتنا از آن گذشت؟ آیا از سیاق و بافتار گزاره، می‌توان این چنین فهمید که منظور نویسنده از عبارت «در تاریخ فرخی»؛ عوض ارجاع و استناد به اثری از دیگران، فرخنده و مبارک شمردن زمان رخداد بوده است؟

پرسش اول:

به این منظور باید به نسخه‌های بیش‌تری از این اثر سرکشید و به مقایسه و بررسی اختلافات آن‌ها پرداخت. کهن‌ترین نسخه اوایل قرن نهم هجری، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سمرقندی، نسخه شماره ۹۰۸۸، برگ ۱۴۶ پشت) همان عبارت را ذکر کرده و دیگر نسخه‌های موجود در کتابخانه مجلس شورا به کتابت سال ۱۰۶۴ق. (سمرقندی، شماره ۱۴۹۹۹، برگ ۱۳۵ رو) و سال ۱۳۱۳ق. (سمرقندی، شماره ۱۶۴۶، برگ ۱۰۵) نیز مؤید عبارت یاد شده است. نسخه دیگری - که در سال ۱۰۳۲ق. استنساخ شده - جای واژه «فرخی گوید» را کاتب خالی گذاشته و چنین نوشته است: «و در تاریخ خامس ذی‌القعده بود» (سمرقندی، نسخه شماره ۸۶۵۲) در نسخه اخیر که فاقد ارجاع به نام کتاب است، حتا اگر بتوان آن را پذیرفت با عبارت پیشین آن یعنی «و این در آخر شوال به وقوع پیوست»، متناقض است. با این حال، می‌توان تصور کرد که نام این کتاب برای کاتب در هنگام استنساخ آشنا نبوده و از آنجائی که کاتب جای خالی آن را در نظر گرفته، گویا قصد داشته با تحقیق بیش‌تر آن را بعدها کامل کند.

واکاوی نسخه‌های بیش‌تر نیز همان عبارت نقل شده در نسخه چاپی مطلع سعدین را



تأیید می‌کند؛ چنان که نسخه موجود در کتابخانه ملی (استنساخ شده در سده نهم هجری) نیز همان عبارت را دقیقاً ذکر کرده است (سمرقندی، شماره ۱۵۸۹، برگ ۱۰۹ پشت). همچنین در نسخه‌ای از قرن سیزدهم هجری نیز به همین صورت آمده است (سمرقندی، شماره ۵۱۷۷، برگ ۲۶۸). چنان که از نسخه‌های یاد شده برمی‌آید، بجز در یک مورد، در تمامی موارد عبارت شش کلمه‌ای استناد شده به «تاریخ فرخی» مورد تأیید قرار گرفته و از این رو، نمی‌توان ذکر آن را تصحیف یا خطای کتابت نام نهاد. همچنین نشان می‌دهد نام این اثر، عبارت نامانوسی برای آن‌ها نبوده و یا در آن تردید نداشته‌اند.

پرسش دوم:

با این که مورخان همواره اقدامات و رویدادهایی را که پادشاهان و فرمانروایان در آن دخیل و مرتبط بوده‌اند، به فال نیک گرفته‌اند و فرخ توصیف کرده‌اند، ولی عبارت مورد بررسی در این مقاله، نمی‌تواند این معنا را در ذهن متبادر سازد. چرا که فعل «گوید» به **تاریخ فرخی** نسبت داده شده است. از سوی دیگر، خامس ذی‌القعدة نیز با تاریخ پیشین یعنی «اواخر شوال» همخوانی ندارد. اما برآستی چرا عبدالرزاق سمرقندی در مورد زمان رویداد حمله تیمور به اصفهان، دو روایت را آورده و ضرورت آن چه بوده است؟ برای درک این موضوع، باید منابع مورد استفاده سمرقندی را در ساخت روایت آن مورد بررسی قرار داد.

همانطور که پیش‌تر نیز آمد، پژوهشگران بر این باورند که سمرقندی، رویدادهای پیش از سال ۸۳۰ق. را عمدتاً از *زبده‌التواریخ* (حدود ۸۳۰ق.) حافظ ابرو برگرفته است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۶۶۶-۶۶۷). چنان که حافظ ابرو در اثر اخیر خود تصریح کرده، در روز حادثه حضور داشته و تعداد کشتگان را دقیق‌تر از مورخان دیگر آورده است؛ اما با این همه، تاریخ و روز دقیق این حادثه را به دست نداده و عبارت «اواخر شوال» را به کار برده است. بی‌تردید مشخص ساختن میزان بهره‌گیری سمرقندی از روایت *زبده‌التواریخ* در خصوص این رویداد، می‌تواند راهگشا باشد. در نقل قول زیر، عباراتی که زیر آن خط کشیده شده، از منبعی غیر از *زبده‌التواریخ* گرفته شده است:

«حضرت صاحبقران آغروق را در ری به رسم قشلاق بازگذاشت و منغلای تعیین کرده قول را به فر شکوه شاهانه برآراست و از طرف همدان به جربادقان آمده، در ظاهر اصفهان نزول نمود. سادات و علما و اکابر و رؤسا، به خدمت آن حضرت شتافتند و سعادت ملازمت دریافتند و آن حضرت، همه را تعظیم و تکریم فرمود و امیر ایکو تیمور به قلعه طبرک درآمد، تعیین مال امان می‌نمود و امیر ملک تیمور ولد آق بوقا بهادر و امیر محمد سلطان شاه، در شهر به تحصیل مال امان رفته بودند و اکابر اصفهان در اردوی همایون که ناگهان آوازه

دهل و طبل برآمد و شرح این سخن آن است که جمعی محصلان و نوکران امرا که در شهر بودند و تحصیل مال و امان می نمودند، بر بعضی رعایا تشدد می کردند و تعرض اهل و عیال می رسانیدند. اصفهانیان بی طاقت شده، خروج کردند و محصلان و نوکران امرا را زار زار کشتند و جمعی بزرگان و عقلا - که در شهر مانده بودند - از خوف عوام، مجال منع و دفع نداشتند. در گوشه‌ها پنهان شدند تا کار از دست و تیر از شست رفت. رعایا، غوغا برآوردند و آواز طبل و دهل به عیوق برآمد و هنوز اول شب بود که این واقعه روی نمود. حضرت صاحب قران، نماز خفتن به دروازه توقچی آمد و از اطراف روی به شهر آورده، تا بامداد از طرفین جنگ سخت کردند و بابا تیمور بن آق بوقا بهادر کشته شد و امیر عثمان عباس را تیر رسید اما صحت یافت و چون روز شد، جماعت فتنه‌انگیز رو به گریز نهادند و اهل شهر، عرضه شمشیر بلیات گشته، حکم شد که هفتاد هزار سر آدمی جمع آرند. نمونه روز رستخیز ظاهر شد و حقیقت قیامت آشکارا گشت و فرمان فرمود که از سرها منارها و گل توده‌ها ساختند و از دروازه توقچی تا قلعه طبرک - که نصف دیوار اصفهان است - بیست و هشت مناره در یکپزار و پانصد سر برآورده بودند و بر نصف دیگر هم بود اما کم‌تر، و این حال، در آخر شوال به وقوع پیوست و در تاریخ فرخی گوید خامس ذیقعه بود و حاجی بیک جاوونی قربانی و یوسف شاه را به محافظت شهر گذاشت و رایات ظفر آیات عازم شیراز گشت» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱ دفتر ۲، صص ۵۹۵-۶۹۶؛ بسنجید با: حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۶۶۶-۶۶۷)

مطالبی که در *زبده التواریخ* ذکر نشده، مربوط به کیفیت آغاز قیام مردم و تاریخ به انجام رسیدن آن است. به نظر می‌رسد مطالب یاد شده از اهمیت بالائی برخوردار است. چنان که بخش نخست (یعنی کیفیت شروع قیام) در منابع متقدم و پیش از مطلع سعدین مانند *ظفرنامه* (شامی، ۱۹۳۷، صص ۱۰۴-۱۰۵)، *ذیل جامع التواریخ* (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ص ۲۴۳)، *ظفرنامه یزدی* (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۸۵۶-۸۵۹)، *مجمعل فصیحی* (خوافی، ۱۳۳۹، ص ۱۲۸)، *جامع التواریخ حسنی* (ابن شهاب، برگ ۶۹۷-۷۰۰) ذکر نشده است. در این میان، تنها روایت ابن عربشاه مضمون مشابهی دارد که البته این تشابه در مورد مقصر بودن مأموران تیمور است و از نظر شکل روایت و جزئیات، با آن متفاوت است. (ابن عربشاه، ۱۴۰۷، صص ۹۸-۹۹)

تشابه نوع روایت سمرقندی با روایتی که یکی از مورخان مخالف تیمور نقل کرده است، نکته بسیار درخور تأملی است. به عبارت دیگر، سمرقندی روایت مورخان طرفدار حکومت تیموری را با منبعی دیگر - که اتفاقاً رویکرد غیر حکومتی داشته - درهم آمیخته است؛ چنان که در روایت، آزار مأموران تیمور، دلیل آغاز قیام بوده است. در مورد موضوع دوم یعنی تاریخ رویداد نیز - گرچه شرف‌الدین علی یزدی و فصیحی



خوافی اشاره‌ای به آن کرده‌اند - روایت آن‌ها با اختلاف مشخص، تاریخ این رویداد را در «دوشنبه ششم ذی‌القعدة» یاد کرده است (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۸۹؛ خوافی، ۱۳۳۹، ص ۱۲۸). بنابراین، روایت و منبع دوم سمرقندی در مورد این رویداد، به شکل بارزی متفاوت می‌نماید.

طرح نشدن موضوع اول از دید مورخان متقدم بر سمرقندی، بی‌تردید به دلیل جانبداری این مورخان (بجز ابن عرب شاه) از حکومت و پنهان‌سازی دلایل قیام اصفهان بوده است. از این رو، آگاهی سمرقندی دارای اهمیت بسیاری است. در مورد موضوع دوم نیز، احتمالاً سمرقندی نادقیق بودن روایت حافظ ابرو را درک کرده و درصدد یافتن منبعی دیگر برآمده تا تاریخ دقیقی از آن به دست دهد. اما به روشنی پیدا نیست که چرا سمرقندی، با وجود آگاهی از روایت شرف‌الدین علی یزدی - به این مسئله پیش‌تر اشاره شد - که اتفاقاً تاریخ مشخصی از این رویداد به دست داده، به آن اشاره نکرده یا از روایت او بهره نچسته است. از آن جا که احتمال یکی بودن **تاریخ فرخی** با **ظفرنامه یزدی**، به این دلیل که نام دقیق این کتاب را سمرقندی پیش‌تر ذکر کرده و نیز روایت آن با روایت حاضر متفاوت است، بسیار بعید می‌نماید؛ بنابراین می‌توان تصور کرد که سمرقندی، به روایت یزدی اطمینان چندانی نداشته یا به عبارت دیگر، منبع معتبرتری (یعنی همان منبع مورد توجه این مقاله، **تاریخ فرخی**) را در دسترس داشته که در پایان رونویسی خود از *زبده‌التواریخ*، با اشاره به تاریخ واقعه، نام آن را فاش ساخته است.

از میان نسخه‌های خطی - که به دوره تیموریان پرداخته‌اند و در عین حال عنوانشان ناشناخته مانده و یا آن‌ها را نسخه‌پردازان مجعول کرده‌اند، می‌توان از نسخه خطی‌ای یاد کرد که در فهرست کتابخانه ملی ایران با عنوان **مجعول بدایع و حوادث تاریخی** و فاقد نام مؤلف به ثبت رسیده است. (انوار، ۱۳۵۴، ج ۶، ص ۵۲۰). این اثر در قیاس با **تاریخ فرخی**، روایات متفاوتی دارد و با بررسی و مقایسه محتوای آن، مشخص می‌شود که نسبت به **مطلع سعدین**، اثری متأخر بوده، به طوری که مطالب آن به دوره شاه اسماعیل صفوی نیز کشیده شده است. (**بدایع و حوادث تاریخی**، برگ ۶۶۳). از جستجو در فهرست نسخه‌های خطی بریتانیا نیز، نمی‌توان نشانی از این اثر یافت. (Rieu, 1879, Vol. I, pp 180-181) چنان که نسخه مجعول مؤلف اسکندر (آنونیم اسکندر: اصطلاحی که بارتولد به کار برده است: بارتولد، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۴۴) نیز چنان که او بن آن را به عنوان *منتخب‌التواریخ* معینی شناخته است (نطنزی، ۱۳۳۶) و از آن جا که روایت آن مغایرتی آشکار با روایت **تاریخ فرخی** دارد، کتاب مورد بحث این مقاله نخواهد بود.

اما برآستی **تاریخ فرخی**، با قلم چه کسی، در کجا، چه مقطع زمانی و برای چه کسی تألیف شده است؟ ارائه پاسخ یکسر دقیق به این پرسش‌ها، با اطلاعات کنونی امکان‌پذیر

نیست. زیرا در منابع مورد استفاده این مقاله اشاره‌ای به آن نشده و آثار بررسی شده در این مقاله، در مضمون با این اثر تفاوت فاحشی دارند. با این همه، دست کم می‌توان در موضوعاتی این اثر را معین و مشخص ساخت. زمان تألیف این اثر را، می‌توان در قدیمی‌ترین زمان ممکن در سال ۷۸۹ق. و حداکثر در پایان حوادث مطلع سعدین یعنی سال ۸۷۵ق. محدود کرد؛ گرچه بی‌تردید این اثر باید چندین سال پیش از تألیف مطلع سعدین تألیف شده باشد و نویسنده آن نیز، به نوعی حق استادی بر سمرقندی داشته است. اگر تاریخ این اثر برای رویداد یورش تیمور به اصفهان تا این اندازه از دقت بالائی برخوردار بوده که در نزد عبدالرزاق سمرقندی، بر روایت منابع نزدیک به این رویداد می‌چربیده؛ پس باید مطالب این اثر نیز از اعتبار بسیاری برخوردار بوده باشد و بی‌تردید کتابی با محتوای ضعیف و مطالب بی‌اعتبار نبوده است. اما چرا سمرقندی روایت‌های بیش‌تری را از این اثر مورد توجه قرار نداده و یا رونویسی نکرده است؟ آیا مطالب تاریخ فرخی، دربرگیرنده ملاحظاتی بوده که با سیاست‌های حاکمان تیموری هم جهت و همسو نبوده است؟

چنان که از بخش نخست روایت یورش تیمور به اصفهان ملاحظه گردید، سمرقندی ناگفته‌ای از این رویداد را نقل کرده که بجز ابن عرب شاه، دشمن تیمور، همه مورخان یاد شده، به نوعی از نقل آن شانه خالی کرده بودند، یعنی مسئله آزار مردم اصفهان به دست مأموران تیموری و تحریک شدن مردم به قیام. احتمالاً سمرقندی این روایت را از همان منبع، یعنی تاریخ فرخی روایت کرده است. چرا که در هیچیک از منابع دیگر و دست کم از میان منابع شناخته شده و مورد بررسی در این مقاله، این مطلب دیده نشده و روایت ابن عرب شاه نیز در جزئیات با آن متفاوت است. اگر بتوان بر این نکته تکیه کرد، می‌توان استدلال کرد که روایات تاریخ فرخی، با سیاست‌های مشروعیت‌ساز مورخان تیموری چندان همساز نبوده است. حتا این نکته را می‌توان پاسخی به این مسئله دانست که چرا از این اثر اطلاعی در دست نیست؟ آیا می‌توان تصور کرد که با مخالفت و بی‌مهری حاکمان تیموری، این اثر از میان رفته است؟ و البته به هر روی سمرقندی به نسخه‌ای از آن دسترسی داشته است. بی‌تردید مطالب این پژوهش، صرفاً استنتاجی بر پایه برخی قراین مکشوف بر نگارنده است و نظر قطعی، منوط به یافتن نسخه‌ای از این اثر یا به دست آمدن اخبار مفصلی در این باره خواهد بود.

نکته دیگر، تکرار و تأیید روایت تعرض مأموران تیموری به مردم اصفهان در منابع متأخر مانند روضة الصفا و حبيب السیر است که در روایت خود، دقیقاً همان واژه‌ها را به کار برده‌اند. (میرخواند، ۱۳۷۰، ج ۶ بخش اول، ص ۴۷۲۰؛ خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۳۱۹). این مسئله، به خوبی نشان می‌دهد که این روایت با گذشت زمان ملاحظات سیاسی

خود را از دست داده و دیگر آن که در مورد درستی آن، تردیدی وجود نداشته است؛ هر چند هر دو اثر اخیر فاقد تاریخ روز حادثه و در نتیجه، اشاره به تاریخ فرخی هستند. حدود سه دهه پیش، پژوهشگر عرب، احسان عباس، در پژوهشی بسیار دشوار، به بررسی متون تاریخی گمشده‌ای پرداخت که تنها اشاره‌های پراکنده‌ای از آن‌ها در متون دیگر باقی مانده بود. این اثر، گستره‌ای از سال ۶۳ تا ۶۲۴ هجری را در بر می‌گرفت (عباس، ۱۴۰۸ق.). پژوهش اخیر، بر این بنیاد شکل گرفته بود تا فهرست و ارزیابی دقیقی از متون به اصطلاح گمشده به عمل آورد و زمینه‌ای برای جستجوی منظم و یافتن احتمالی این متون در میان نسخه‌های خطی بی‌نام و مجهول مؤلف و یا مجعول فراهم آید. به نظر می‌رسد که پژوهش مشابهی نیز برای متون گمشده پس از سقوط خلافت عباسی تا دوران معاصر ضروری است و البته برای دوره حکومت‌های متقارن در ایران - که پر از درگیری و جنگ‌های داخلی و نیز همزمان با یورش صحراگردان بوده است - اهمیت بیش‌تری خواهد داشت.

نتیجه

تاریخ فرخی به عنوان یکی از منابع آگاه از رویداد یورش تیمور به اصفهان در سال ۷۸۹، تنها در یک رویداد مورد بهره‌برداری عبدالرزاق سمرقندی در مطلع‌السعدین قرار گرفته است. بررسی و سنجش منبع شناسانه اثر اخیر، مشخص می‌شود که مطالب برگرفته از تاریخ فرخی، بسیار معتبر و دقیق بوده و در عین حال با روایت مورد تأیید جریان حاکم، همساز و همسو نبوده است. با این که این معرفی به شناسائی کل اثر (مانند حدود زمانی مورد بررسی، پایگاه اجتماعی و قومی مورخ و غیره) نینجامیده، اما دست‌کم موضوع و محدوده و برخی ویژگی‌های آن، بنابر پاره‌ای قراین معرفی گردید. در این مقاله، همچنین با واکاوی در آثار شناخته شده این روزگار تا حد چشمگیری موضوع تفاوت و معایر بودن آن با دیگر متون آن دوره، مورد بحث قرار گرفت. بی‌تردید این پژوهش، مقدمه‌ای برای تحقیقات بیش‌تر و کوشش‌های زمینه‌ساز جهت رهیافت‌هایی دقیق‌تر درباره این اثر گم‌نشان در تاریخ ایران خواهد بود.

کتابنامه

- ابن شهاب، حسن. جامع‌التواریخ حسنی، کتابخانه ملی ایران، نسخه خطی فارسی به شماره ۱۳۳۰.
 ابن عرب شاه، شهاب‌الدین احمد (۱۴۰۷ق.). عجایب المقدور فی نواب تیمور (احمد فایز الحمیمی، محقق). بیروت: مؤسسه الرساله.
 انوار، عبدالله (۱۳۵۴). فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی. تهران: کتابخانه ملی ایران.
 بارتولد، ولادیمیر (۱۳۵۲). ترکستان نامه. (کریم کشاورز، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- بدايع و حوادث تاريخ. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه ملی ایران، شماره ۵۲۰/۶.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۳۷۲)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه* (محمد آصف فکرت، کوششگر) مشهد: آستان قدس رضوی.
- حاجی خلیفه، مصطفی (۱۴۱۴ ق.). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. بیروت: دارالفکر.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین (۱۳۱۷). *ذیل جامع التواریخ* (خان‌بابا بیانی، کوششگر). تهران: علمی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *زبدۃ التواریخ* (ج. ۴). (سیدکمال حاج سیدجواد، مصحح). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوافی، احمد (۱۳۳۹). *مجمعل فصیحی* (محمود فرخ، کوششگر). مشهد: کتابفروشی باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳). *حبیب السیر*. تهران: کتابخانه خیام.
- سمرقندی، عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۰۸۸.
- سمرقندی عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۶۵۲.
- سمرقندی عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۹۹۹.
- سمرقندی عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۶۴۶.
- سمرقندی عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۵۸۹.
- سمرقندی عبدالرزاق. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. نسخه خطی فارسی، تهران: کتابخانه ملی ایران، شماره ۵۱۷۷.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۹۴۹ م.). *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (محمد شفیع، کوششگر). لاهور: نشر گیالانه.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۹۴۶ م.). *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (محمد شفیع، کوششگر). لاهور: نشر گیالانه.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۷۶-۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (عبدالحسین نوائی، کوششگر). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی.
- شامی، نظام‌الدین (۱۹۳۷). *ظفرنامه* (فلکس تاور، کوششگر). پراگ: مؤسسه شرقیه.
- عباس، احسان (۱۴۰۸ ق.). *شذرات من کتب مفقوده فی التاریخ*. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- میرخواند (۱۳۷۰). *روضه الصفا* (جمشید کیانفر، کوششگر). تهران: اساطیر.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶). *منتخب التواریخ* (ژان اوین، مصحح). تهران: خیام.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). *شرفنامه* (سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوائی، مصححان). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- Barthold, W, Shafi. M (1986). Abd al-razzak al-samarkandi, in *Encyclopedia of Islam* (Second Edition), Leiden: Brill.
- Rieu, Charles (1879). Catalogue of the Persian manuscripts in the British museum, London: British museum.
- Szuppe, Maria (2004). Historiography, Timurid Period, in *Encyclopedia of Iranica*. Newyork: Encyclopedia of Iranica foundation. pp. 356-363.